

بعضی مردم کم عقل اعتراض خواهند کرد: «چه شد که مسلمانان از قبله‌ای برگشتند که به طرفش می‌ایستادند؟!»^۱ جواب بده: «شرق و غرب عالم مال خداست و او هرکه را شایسته ببیند، به راه درست زندگی می‌برد.»^{۱۴۲}

همان‌طور که شما مسلمانان را با تغییر قبله به راه درست می‌بریم، از بینتان گروهی را انتخاب می‌کنیم تا شاهد کارهای مردم باشند و پیامبر هم شاهد کارهای آنان.^۲ قبله‌ای را که قبلاً به طرف آن رو می‌کردی، فقط برای این قرار داده بودیم که پیروان واقعی پیامبر را از آن‌هایی که عقب‌گرد می‌کنند، جدا کنیم. البته موضوع قبله امتحان سختی بود؛ مگر برای کسانی که خدا دستشان را گرفت. در ضمن، خدا بنا ندارد نمازهای گذشته شما^۳ را بی‌اثر کند. آخر، خدا در حق مردم، دلسوزی مهربان است.^{۱۴۳}

نگاه‌های انتظارآمیزت به سوی آسمان را به وضوح می‌بینیم! اکنون، تو را به سوی قبله‌ای برمی‌گردانیم که دوستش داری. پس، برای خواندن نماز، به طرف مسجد الحرام برگرد و شما مسلمانان هم هر جا که بودید، به طرف مسجد الحرام برگردید. اهل کتاب می‌دانند که این تغییر قبله کار درستی از طرف خداست. خدا هم از کارهایشان بی‌خبر نیست.^{۱۴۴}

برای اهل کتاب هرگونه دلیل و مدرکی هم بیاوری، باز به قبله تو تن نمی‌دهند! تو هم دیگر تن به قبله آن‌ها نده. تازه، آن‌ها خودشان هم تن به قبله هم‌دیگر نمی‌دهند! اگر بعد از اینکه این حقایق به دستت رسیده، تابع میلشان شوی، آن وقت تو هم قطعاً جزو بدکارها خواهی شد!^{۱۴۵}

۱. این آیه و ده آیه بعدی داستان تغییر قبله مسلمانان را از بیت المقدس به کعبه توضیح می‌دهد. آنان سیزده سال در مکه به سوی بیت المقدس نماز می‌خواندند؛ اما چند ماهی بعد از هجرت به مدینه، قبله به دستور الهی تغییر کرد.

۲. آیه ۴۱ نساء (ص ۸۵)، ۸۸ نحل (ص ۲۷۷) و ۷۸ حج (ص ۳۴۱) هم در این باره است.

۳. یعنی نمازهایی که طی سیزده سال در مکه و چند ماه در مدینه به طرف بیت المقدس خوانده بودند.

اهل کتاب محمد را همان قدر خوب می‌شناسند که بچه‌هایشان را می‌شناسند! ولی عدهٔ زیادی از آن‌ها عمداً این حقیقت را مخفی می‌کنند. ۱۴۶ آنچه دربارهٔ پیامبری محمد یا تغییر قبله گفته می‌شود، همه از طرف خداست؛ پس حتی برای لحظه‌ای، شک به دلت راه نده. ۱۴۷

هر گروهی به هر حال، قبله‌ای دارد که به طرف آن رو می‌کند؛ پس بیشتر از این، دربارهٔ تغییر قبله بحث نکنید و به جایش در کارهای خوب از همدیگر سبقت بگیرید! که هر کجا هستید و هر کسی باشید، خدا برای روز قیامت احضارتان می‌کند. آخر، خدا از عهدهٔ هر کاری برمی‌آید. ۱۴۸

پیامبر، هر جا رفتی، برای خواندن نماز به طرف مسجد الحرام بایست... در ضمن، این دستور قطعاً از طرف خداست و دیگر تغییر نمی‌کند و خدا بی‌خبر نیست که چه می‌کنید. ۱۴۹... بله، هر جا رفتی، برای خواندن نماز به طرف مسجد الحرام بایست و شما مسلمانان نیز هر جا که بودید، برای خواندن نماز به طرف مسجد الحرام بایستید تا مردم هیچ دلیل و اعتراضی برضد شما نداشته باشند. البته افراد بهانه‌جو هیچ وقت از بهانه‌جویی دست برنمی‌دارند؛ پس، از آن‌ها ترسید و فقط از من حساب ببرید.

بله، قبله را تغییر دادم تا هم نعمتم را بر شما کامل کنم و هم با خیالی راحت نماز بخوانید؛ ۱۵۰ همان طوره که میانتان پیامبری از خودتان فرستادیم تا آیه‌های مان را به دقت برایتان بخواند و جان‌هایتان را از آلودگی‌ها پاک کند و قرآن و حکمت^۱ یادتان بدهد و نیز چیزهایی را یادتان بدهد که از شما برنمی‌آید بگیرید. ۱۵۱ بنابراین، به یاد من باشید؛ من هم به یاد شما هستم و مرا شکر کنید و ناسپاسی ام نکنید. ۱۵۲

مسلمانان! با صبر و نماز از خدا کمک بخواهید که خدا در کنار اهل صبر است. ۱۵۳

۱. برای توضیح حکمت، پاورقی آیهٔ ۱۲۹ همین سوره (ص ۲۰) را بخوانید.

از روی بی‌اطلاعی یا بی‌ادبی، به آنان که در راه خدا شهید می‌شوند، مرده نگویید؛ بلکه به‌طور ویژه زنده‌اند؛ ولی شما درک نمی‌کنید. ۱۵۴

حتماً و حتماً با مشکلات امنیتی و اقتصادی مختصری امتحانتان می‌کنیم و نیز با ضررهای مالی و جانی و زراعی. البته به اهل صبر مژده بده؛ ۱۵۵ همان کسانی که هرگاه مصیبتی برایشان پیش بیاید، می‌گویند: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ۱۵۶ درودهای خدا و لطفش همیشه شامل حالشان می‌شود و همین‌ها هدایت یافته واقعی‌اند. ۱۵۷

صفا و مروه^۲ از نشانه‌های بندگی خداست؛ بنابراین هرکه حج یا عمره انجام می‌دهد، باید سعی صفا و مروه به‌جا آورد. البته هرکه کار خوبی را با اشتیاق انجام دهد، خدا قدرشناسی داناست. ۱۵۸

کسانی که دلیل‌های روشن و راهنمایی‌های^۳ ما را مخفی می‌کنند، با آنکه آن‌ها را در کتاب‌های آسمانی برای مردم توضیح داده‌ایم، خدا لعنتشان می‌کند و همه لعنت‌کنندگان هم لعنتشان می‌کنند! ۱۵۹ مگر آن‌هایی که توبه علنی کنند و خطاهایشان را جبران سازند و پنهان‌کاری‌هایشان را آشکار کنند. در این صورت است که من هم به آن‌ها لطف می‌کنم و توبه‌شان را می‌پذیرم و منم آن نوازشگر مهربان. ۱۶۰

کسانی هم که بی‌دین بمانند و در حال بی‌دینی بمیرند، لعنت خدا و همه فرشتگان و مردم بر آن‌ها! ۱۶۱ همیشه از رحمت خدا دورند؛ نه از عذابشان کم می‌کنند و نه مهلت فرار به آن‌ها می‌دهند! ۱۶۲

معبود شما معبود بیگانه‌ای است که غیر او کسی شایسته‌ی بندگی نیست و خوب مهربان است. ۱۶۳

۱. ما از خداییم و به سوی او برمی‌گردیم.

۲. صفا و مروه نام دو کوه کوچک در کنار مسجدالحرام است، با فاصله حدوداً چهارصد متر از هم که الان اثر کمی از این دو کوه به‌جا مانده است. در «سعی صفا و مروه»، حاجیان هفت بار این مسیر را طی می‌کنند.

۳. «دلیل‌های روشن» همان اصول دین‌اند و «راهنمایی‌ها» همان فروع دین.

نشانه‌هایی از بکتایی خدا: آفرینش آسمان‌ها و زمین، رفت و آمد شب و روز، کشتی‌هایی که در دریاها برای منافع انسان‌ها عبور و مرور می‌کنند، برف و بارانی که خدا از آسمان می‌فرستد تا به برکتش زمین را بعد از مردنش زنده کند، گونه‌های جانوری که در سرتاسر زمین پراکنده است و گردش باده‌ها و ابرهای معلق بین آسمان و زمین. این نشانه‌ها برای مردمی است که عقلشان را به کار می‌اندازند. ۱۶۴

با این حال، بعضی مردم همتیانی برای خدا انتخاب می‌کنند و آن‌ها را به جای او می‌پرستند و همان قدر دوستشان دارند که باید خدا را دوست داشت! ولی مسلمانان خدا را بیشتر و بهتر از هر چیزی دوست دارند. کاش بت‌پرست‌های بدکار در همین دنیا عذاب جهنم را به چشم خودشان می‌دیدند و متوجه می‌شدند که قدرت‌ها یکسره دست خداست و اینکه عذاب الهی چقدر شدید است! ۱۶۵

روز قیامت، پیشوایان باطل درحالی که عذاب جهنم را می‌بینند و دستشان از همه جا کوتاه شده است، هرگونه ارتباطی را با پیروانشان انکار می‌کنند! ۱۶۶ پیروان هم تأسف می‌خورند: «کاش یک بار دیگر به دنیا برمی‌گشتیم تا همان طور که آن‌ها داشتند هرگونه ارتباطی را با ما انکار می‌کنند، ما هم از آن‌ها دوری می‌کردیم!» بله، خدا کارهایشان را این طور مایه حسرتشان قرار می‌دهد و دیگر راه خروجی از آتش جهنم ندارند! ۱۶۷

مردم! از چیزهایی در زمین استفاده کنید که حلال و پاکیزه است و پا جای پای شیطان نگذارید که او دشمن علنی شماست. ۱۶۸ او شما را فقط به بدی‌ها و زشتی‌ها فرمان می‌دهد و به اینکه ندانسته، حرف‌هایی به خدا نسبت دهید! ۱۶۹

وقتی به بت پرست‌ها می‌گویند: «از دستورهایی پیروی کنید که خدا فرستاده است»، می‌گویند: «نه، بلکه فقط از چیزهایی تقلید می‌کنیم که دیدیم پدرانمان دنبال آن‌اند.» حتی اگر پدرانشان اصلاً عقلشان را به‌کار نینداخته و در راه درست نبوده‌اند، آیا باز هم باید دنباله‌رو آن‌ها باشند؟! ۱۷۰ حال تو در دعوت سران بی‌دین، مثل حال کسی است که یاسین به گوش خر می‌خواند! این‌ها کر و لال و کورند و برای همین، عقلشان را به‌کار نمی‌اندازند. ۱۷۱

مسلمانان! از نعمت‌های پاک و پاکیزه‌ای بخورید که روزی تان کرده‌ایم و اگر فقط خدا را بندگی می‌کنید، فقط او را شکر کنید. ۱۷۲

خدا فقط خوردن چیزهای نجس و نامطبوع را بر شما حرام کرده است، مثل: حیوان مرده، خون، گوشت خوک و حیوان حلال‌گوشتی که وقت سربریدنش نام غیرخدا را بر آن برده‌اند. البته هرکه برای حفظ جان‌ش، آن‌هم با بی‌میلی و به‌اندازهٔ ضرورت، مجبور به خوردنشان شود، سهل‌انگاری نکرده؛ چون خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۷۳

کسانی که مطالب کتاب خدا را مخفی می‌کنند و آن را به‌قیمت ناچیز مادی می‌فروشند، جز آتش چیزی در شکم‌هایشان فرو نمی‌کنند و خدا روز قیامت با آن‌ها محبت‌آمیز حرف نمی‌زند. علاوه بر این، در این دنیا توفیق پاک‌سازی از گناهان به آن‌ها نمی‌دهد و در آخرت هم دچار عذابی زجرآور می‌شوند. ۱۷۴

این‌ها کسانی‌اند که گمراهی را به‌قیمت از دست دادن هدایت به‌دست آورده‌اند. عجب صبری در برابر آتش دارند! ۱۷۵ آن‌همه عذاب برای این است که خدا کتابش را حساب شده و هدف‌دار فرستاده و کسانی که با آن مخالفت کنند، خیلی از واقع دورند! ۱۷۶

خوبی فقط این نیست که برای عبادت، به طرف شرق یا غرب عالم بایستید؛ بلکه خوبی اصل کاری این است که انسان‌ها خدا، روز قیامت، فرشتگان، کتاب‌های آسمانی و پیامبران را باور کنند و اموالشان را با همه علاقه‌ای که به آن دارند، برای خویشان، یتیمان، درماندگان، درراه‌مانده‌ها، فقیران و در راه آزادی بردگان^۱ مصرف کنند و نماز را با آدابش بخوانند و زکات بدهند و وقتی قول می‌دهند، سر قولشان بمانند و به‌ویژه در سختی‌ها و خسارت‌ها و در میدان جنگ، صبور باشند. همین‌ها ایند که صداقت دارند و خودمراقبان واقعی‌اند. ۱۷۷

اگر در جامعه اسلامی قتلی رخ بدهد، شما مسلمانان باید برای اجرای قصاص^۲ تلاش کنید؛ بدین صورت که شخص آزاد به جای شخص آزاد قصاص شود، برده به جای برده و زن به جای زن.

اگر حق قصاص را خانواده مقتول به نفع قاتل بخشید، قاتل باید ممنون این بزرگواری باشد و خون بها را بی معطلی به خانواده مقتول بپردازد. این حکم، نوعی تخفیف و لطف از طرف خداست. بعد از قصاص یا دادن دیه، اگر هریک از طرفین زیاده روی کند، عذابی زجرآور در انتظار اوست. ۱۷۸

قانون قصاص حقیقتاً مایه دوام زندگی شماست، ای مردم عاقل، تا جامعه را از گسترش قتل و خون‌ریزی حفظ کنید. ۱۷۹

مستحب است که وقتی مرگ یکی از شما نزدیک است و چیز به درد خوری از خود باقی گذاشته است، یک سومش را به نحوی آبرومندانه برای پدر و مادر و خویشاوندان وصیت^۳ کند که این کار در شأن خودمراقبان است. ۱۸۰

آن‌هایی که بعد از دانستن وصیت تغییرش دهند، این سهل‌انگاری فقط متوجه همان‌هایی است که تغییرش می‌دهند. خدا شنوای داناست. ۱۸۱

۱. آزادسازی زندانیان یا اسیران هم ممکن است از مصادیق آن باشد. نگاه کنید پانوشه آیه ۱۳ سوره بلد را (ص ۵۹۴).

۲. قصاص یا خون خواهی حقی است که خدا به بازماندگان مقتول داده است تا حششان را از قاتل بگیرند. البته آن‌ها می‌توانند یکی از دو راه را انتخاب کنند: قصاص قاتل یا گرفتن دیه و خون بها.

۳. وصیت یا کتبی است یا شفاهی و نیز گاهی واجب است و گاهی، مانند دستور این آیه، مستحب.

البته اگر کسی نگران این باشد که وصیت‌کننده در وصیتش دچار اشتباهی شده یا احیاناً سهل‌انگاری کرده است و آن وقت به قصد سازش بین وارثان تغییرش دهد، گناهی مرتکب نشده است و در لغزش‌های احتمالی اش، خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۸۲

مسلمانان! همان‌طور که بر مردمان پیش از شما اصل روزه واجب بوده، بر شما هم واجب است تا خودمراقب شوید. ۱۸۳ البته شما در روزهایی مشخص، یعنی ماه رمضان، روزه بگیرید. هر کدامتان هم که مریض یا در سفر هستید، روزهای دیگری به جایش روزه بگیرید.

کسانی که روزه برایشان طاقت فرساست،^۱ به جای هر روز به فقیری یک وعده غذا بدهند و البته اگر داوطلبانه روزه بگیرند، برایشان بهتر است. در کل، اگر بخواهید بدانید، روزه گرفتن برایتان آثار و برکات فراوانی به همراه دارد. ۱۸۴ ماه رمضان ماهی است که در آن، قرآن برای راهنمایی مردم فرستاده شده است و قرآن نشانه‌هایی روشن برای هدایت دارد و معیار تشخیص حق از باطل است. پس، هر کدامتان که وارد این ماه شدید، باید آن را روزه بگیرید؛ ولی آن‌هایی که مریض یا در سفرند، روزهای دیگری را به جایش روزه بگیرند تا یک ماه کامل شود. خدا راحتی‌تان را می‌خواهد. سختی‌تان را که نمی‌خواهد! بله، خدا توفیق روزه گرفتن به شما داد تا برای اینگونه هدایت‌هایش، به بزرگی یادش کنید و شکرش را به جا آورید. ۱۸۵

وقتی بندگانه به‌ویژه روزه‌داران دربارهٔ من از تو می‌پرسند، از قول من بگو: «نزدیکم من!»^۲ همیشه هم دعای دعاکننده را وقتی فقط از من بخواهد، سریع جواب می‌دهم. پس در مقابل، آنان هم دعوت‌م را بپذیرند و مرا باور داشته باشند تا در مسیر رشد قرار بگیرند. ۱۸۶

۱. پیرمردان و پیرزنان و کسانی که تشنگی و گرسنگی شدید به آن‌ها دست می‌دهد و روزه گرفتن برایشان طاقت فرساست، می‌توانند روزه نگیرند؛ ولی به جای هر روز روزه نگرفتن، به یک فقیر به اندازهٔ یک وعده غذا بدهند و دیگر قضای روزه واجب نیست.

۲. نزدیکی خدا به ما نزدیکی مکانی نیست؛ زیرا خدا جسم ندارد تا در مکان یا زمان خاصی باشد. او با علم و قدرت و سایر صفاتش به ما نزدیک است.

در شب‌های روزه‌داری، هم‌بستری با همسرانتان برایتان حلال شده است؛ چون‌که در واقع، شما مثل یک روحید در دو بدن. خدا می‌دانست که شما ممنوعیت هم‌بستری در شب‌های روزه‌داری را رعایت نمی‌کنید؛ پس به شما لطف کرد و از شما درگذشت. اما از الان و با تغییر قانون، در شب‌های روزه‌داری، تا اذان صبح می‌توانید با آن‌ها زناشویی کنید و بچه‌های شایسته‌ای که خدا برایتان در نظر گرفته است، از او بخواهید.

تا وقتی باریکه نور سحر از افق تاریک شب سر بزند، یعنی تا اذان صبح، می‌توانید بخورید و بنوشید. بعدش، روزه را تا مغرب ادامه دهید.

در ضمن، وقتی در مساجد اعتکاف می‌کنید، با همسرانتان زناشویی نکنید. این‌ها خط‌قرمزهای خداست. نزدیک این خط‌قرمزها نشوید. خدا آیات و احکام خود را این‌طور برای مردم روشن می‌کند تا مراقب رفتارشان باشند. ۱۸۷

اموال همدیگر را با کلاهبرداری و از راه نامشروع به جیب نزنید. همچنین به قاضی‌ها رشوه ندهید تا با گرفتن احکام ظالمانه، بخشی از اموال مردم را بالا بکشید. خودتان هم می‌دانید که این کار چقدر زشت است! ۱۸۸

پیامبر! درباره فایده شکل‌های مختلف ماه از تو می‌پرسند. بگو: «آن‌ها تقویم طبیعی برای مردم است و تعیین‌کننده زمان حج.» خوبی آن نیست که لقمه را دور سر بچرخانید؛ بلکه خوبی آن است که مراقب رفتارتان باشید. پس در هر کاری، از

راهش وارد شوید و در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید تا خوشبخت شوید. ۱۸۹
در راه خدا، با بت‌پرست‌هایی بجنگید که با شما سر جنگ دارند؛ ولی از خط‌قرمزها عبور نکنید! چون‌که خدا دوست ندارد آن‌هایی را که از خط‌قرمزها بگذرند. ۱۹۰

۱. اشاره به یک سنت جاهلی است که مردم آن زمان درحالی‌که برای انجام مناسک حج، لباس اِحرام پوشیده بودند، سرخود بعضی کارها را، بیشتر از آنچه در سنت ابراهیمی رعایتش لازم بود، بر خود ممنوع می‌کردند، مثل همین چیزی که آیه به آن اشاره دارد: در حالت اِحرام از درِ خانه وارد خانه نمی‌شدند، بلکه پشت خانه را سوراخ می‌کردند و از آنجا وارد خانه می‌شدند!

هر جا پیدایشان کردید، بکشیدشان و از مکه بیرونشان کنید، همان طور که از آنجا بیرونتان کردند. فتنه‌گری آن‌ها خیلی بدتر است از کشته شدنشان به دست شما! البته در محدوده مسجد الحرام با آن‌ها نجنگید؛ مگر آنکه بخواهند با شما در آنجا بجنگند. بله، اگر با شما در آنجا جنگیدند، بی معطلی آن‌ها را بکشید که سزای بی‌دین‌ها همین است. ۱۹۱ ولی اگر از جنگ با شما در محدوده مسجد الحرام دست برداشتند، خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۹۲

با این فتنه‌گرها آن قدر بجنگید تا دیگر فتنه‌ای در عالم نباشد و دین الهی عالم‌گیر شود؛ ولی اگر از فتنه‌گری دست برداشتند، دیگر کاری به کارشان نداشته باشید؛ زیرا فقط با کسانی که از فتنه‌گری دست نمی‌کشند، باید دشمنی را ادامه داد. ۱۹۳

جنگ در ماه‌های محترم^۲ در برابر جنگ در ماه‌های محترم. بله، حرمت شکنی‌ها را می‌توانید تلافی کنید: هر که به حقوق و حریم شما دست‌درازی کرد، شما هم به همان مقدار تلافی کنید. البته در این کار زیاده‌روی نکنید و بدانید خدا در کنار کسانی است که مراقب رفتارشان باشند. ۱۹۴ در راه تقویت ثنیهٔ دفاعی امت اسلامی هزینه کنید و با کوتاهی‌کردن در این مسئله، خودتان را به نابودی نکشاند. بله، کار درست و حساب شده انجام دهید که خدا درستکاران را دوست دارد. ۱۹۵

حج و عمره را برای رضای خدا به پایان برسانید. پس اگر به خاطر بیماری یا ترس از دشمن وارد مکه نشدید، بسته به توان مالی‌تان شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کنید و تا آن حیوان در قربانگاه قربانی نشده، سرهایتان را تراشید. در ضمن، هر کدامتان سردرد دارید یا مرض پوستی و ناچارید سرتان را زودتر تراشید، به جایش باید روزه‌ای بگیرید یا صدقه‌ای بدهید یا گوسفندی بکشید. حالا اگر از بیماری یا خطر دشمن در امان بودید و قصد حج تمتع کردید، بسته به توان مالی‌تان قربانی کنید. اگر هم توان مالی برای تهیهٔ قربانی نداشتید، به جایش سه روز در سفر حج و هفت روز بعد از برگشتن از حج، روی هم ده روز، روزه بگیرید. حج تمتع وظیفهٔ آنانی است که ساکن مکه و اطرافش نباشند. بترسید از اینکه حج تمتع را قبول نداشته باشید و بدانید مجازات خدا شدید است! ۱۹۶

۱. ریشه‌کن کردن «فتنه‌گری» در همه‌جای دنیا وظیفهٔ حتمی همهٔ مسلمانان و حاکمان اسلامی است، ولی منظور این نیست که جز مسلمان کسی حق حیات در روی زمین ندارد؛ بلکه اهل کتاب، منافق و بی‌دین هم با شرایطی می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند. شرط اصلی‌اش همان است که گفته شد: فتنه‌گری و توطئه نکند و اذیت‌وآزاری نرسانند.

۲. چهار ماه از سال قمری ماه‌های محترم هستند. توضیح بیشتر در پارواری آیهٔ ۲۱۷ همین سوره.

مراسم حج در ماه‌های معینی^۱ انجام می‌شود. هرکس در این ماه‌ها با پوشیدن لباس احرام، حج را بر خود واجب کند، هم بسترش‌دن، گفتن دروغ و ناسزا و نیز قسم خوردن به خدا ممنوع است.^۲

در ضمن، هر کار خوبی بکنید، خدا آن را می‌داند. پس برای سفر آخرت زادوتوشه بردارید که بهترین زادوتوشه مراقبت از رفتار است و یک نمونه‌اش هم انجام حج است. بله، در حضور من مراقب رفتارتان باشید ای مردم عاقل.^۳ ۱۹۷

برایتان اشکالی ندارد که در سفر حج با کارهای تجاری دنبال روزی حلال الهی باشید. وقتی هم از عرفات برگشتید، در مَسْعَرُ الحرام خدا را یاد کنید. بله، یادش کنید، به شکرانهٔ اینکه هدایتان کرد که بدون شک قبل از آن گمراه بودید. ۱۹۸

بعد، از همان جایی که مردم به طرف مینا سرازیر می‌شوند، شما هم سرازیر شوید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۹۹

وقتی اعمال حجتان را تمام کردید، خدا را همان طور یاد کنید که پدران‌تان را به رسم جاهلیت یاد می‌کردید و بلکه بهتر از آن. بعضی دعاکنندگان این طور دعا می‌کنند: «خدایا، به ما فقط در همین دنیا بده!» آن‌ها دیگر در آخرت بهره‌ای ندارند! ۲۰۰

اما عده‌ای دیگر این طور دعا می‌کنند: «خدایا، هم در این دنیا به ما خوبی بده و هم در آخرت و از عذاب جهنم حفظمان کن.» ۲۰۱

البته همهٔ دعاکنندگان تأثیر دعا‌های خود را به اندازهٔ کار و تلاش‌شان می‌بینند؛ زیرا خدا به همهٔ خواسته‌ها کاملاً اِشْرَاف دارد. ۲۰۲

۱. شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه. حج تمتع دو بخش دارد: عمرهٔ تمتع و حج تمتع. بخش اول را می‌شود از اولین روز شوال انجام داد. بخش دوم را هم از نهم ذی‌حجه.

۲. بعضی کارهایی که در حال احرام ممنوع است، حتی در حال عادی ممنوع است، مثل دروغ و ناسزاگویی، با این فرق که ارتکاب آن‌ها در حال احرام، علاوه بر گناه داشتن بیشتر، کفاره هم دارد.

۳. تقوا درجات مختلفی دارد: تقوا به سبب ترس از جهنم، تقوا از سر شوق به بهشت و تقوا به خاطر خود خدا. آخری یعنی انسان مراقب گفتار و رفتارش باشد، نه از ترس جهنم و نه به شوق بهشت، بلکه فقط از روی دوست داشتن خدا. در وجود همهٔ ما از هر سه قسم تقوا کمابیش هست. البته بزرگان دین به تقویت سومی بیشتر سفارش کرده‌اند.

دو یا سه روز در منا باشید و خدا را یاد کنید؛ البته هر حاجی باتقوایی، چه بعد از دو روز به مکه برگردد و چه احياناً بعد از سه روز، در هر صورت نه تنها گناهی نکرده بلکه گناهانش آمرزیده می‌شود. در ضمن، در حضور خدا مراقب رفتار تان باشید و بدانید شما را دسته جمعی به محضرش می‌برند. ۲۰۳

لابه‌لای مردم، منافق‌هایی هستند که از ظاهر و محتوای حرف‌هایشان درباره زندگی خوب در دنیا، خوشت می‌آید. تازه، خدا را بر چیزی که در دل دارند، شاهد می‌گیرند! در حالی که آن‌ها دشمن سرسخت اسلام‌اند. ۲۰۴ وقتی به مقام و منصبی برسند، همه تلاششان را به کار می‌بندند تا نظم جامعه را برهم بزنند و نظام خانواده را از هم بپاشند. البته معلوم است که خدا این افسارگسیختگی را دوست ندارد. ۲۰۵ وقتی به آن‌ها بگویند: «بترسید از خدا و دست بردارید از این کارها»، حس جاه‌طلبی باعث ادامه کارهای زشتشان می‌شود؛ پس حَقشان همان جهنم است و آن واقعاً که بدجایی است! ۲۰۶

بین مردم، کسانی هم هستند که برای به دست آوردن رضایت خدا جانشان را تقدیم می‌کنند و خدا با آفریدن چنین افرادی، نشان داده که دلسوز بندگانش است. ۲۰۷

مسلمانان! همگی تسلیم محض خدا باشید و پا جای پای شیطان نگذارید که او دشمن علنی شماست. ۲۰۸ بعد از این همه دلیل‌های روشن اگر دچار لغزش شدید، بدانید خدا در انتقام‌گیری از شما شکست‌ناپذیرِ کاردرست است! ۲۰۹
خطا کارها نکنند فقط منتظر این‌اند که خدا و فرشتگان عذاب، در پوشش ابرهای تیره و تار، سراغشان بیایند و کارشان یکسره شود؟! البته که همه کارها به خدا ختم می‌شود. ۲۱۰

۱. تهدید و ترور، جنگ روانی، تهاجم فرهنگی، تبلیغات دروغین، ترفندهای رسانه‌ای، شایعه‌پراکنی در فضای مجازی، جوسازی علیه مسئولان دلسوز جامعه، آمارسازی و تحلیل‌های به‌ظاهر کارشناسی، گرفتن قیافه حق‌به‌جانب، دلسوزی‌های موزیانه، به‌هم‌ریختن بازار ارز و طلا، اخلال در تولید و کسب‌وکار، تخریب محیط زیست، ارتباط‌گیری مرموزانه و چندلایه با بیگانگان... و این یعنی «سازمان مجاهدین خلق ایران» همان منافقان مفلوک و منحوسی که در حال حاضر مقرر رسمی‌شان در کشور آلبانی است. آیات ابتدایی همین سوره و سوره منافقون (ص ۵۵۴) را هم ببینید.

۲. مخالفان دین همدست شدند تا پیامبر اسلام را شبانه بکشند. حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید تا او بتواند مخفیانه راهی مدینه شود. ماندگاری اسلام نتیجه از خودگذشتگی‌های چنین افرادی است.

از بنی اسرائیل^۱ پیرس که چه نعمت‌ها و معجزه‌های روشنی به آن‌ها دادیم؛ ولی نمک‌شناسی کردند! هرکه نعمت‌های خدادادی را نابجا استفاده کند، بدانند که مجازات خدا شدید است. ۲۱۱

زندگی پست دنیا در نظری دین‌ها رنگ‌ولعاب داده شده است. برای همین، مسلمانان فقیر را مسخره می‌کنند؛ درحالی که روز قیامت، مسلمانانی که مراقب رفتارشان بوده‌اند، از آن‌ها برترند. البته، خدا به هرکه مصلحت بداند، فراوان روزی می‌دهد. ۲۱۲

انسان‌های نخستین^۲ گروهی ساده و یکدست بودند که کم‌کم دچار اختلاف شدید شدند. خدا پیامبران اولوالعزم را فرستاد تا مژده‌رسان و هشداردهنده باشند و همراهشان کتاب‌های دادگستر فرستاد تا دربارهٔ چیزهایی که مردم سرش اختلاف داشتند، بینشان داوری کنند؛ ولی این عالمان زیاد خواه بودند که با وجود این همه دلیل‌های روشن، اختلاف نظر در معارف دین را باب کردند. خدا هم به خواست خودش به مؤمنان لطف کرد و در کوران اختلاف‌ها و تفرقه‌ها، راه را از چاه نشان داد. بله، خدا هرکه را شایسته ببیند، به راه درست زندگی می‌برد. ۲۱۳

نکند خیال کرده‌اید بی آنکه مثل گذشتگان قبل از خودتان سختی بکشید، به بهشت می‌روید؟! بله، آنان با سختی‌ها و رنج‌های فراوانی دست‌وپنجه نرم کردند و تا جایی به هول و هراس افتادند که نزدیک بود پیامبران و پیروانشان بگویند:

«یاری خدا پس کی می‌آید؟!» بدانید کمک خدا نزدیک است! ۲۱۴

از تو می‌پرسند که چه چیزی انفاق کنند. بگو: «چیزهای به درد خور انفاق کنید و بهتر است آن را به پدر و مادر، خویشان، یتیمان، فقیران و درراه‌مانده‌ها بدهید. معلوم است که هر کار خیری می‌کنید، خدا آن را می‌داند.» ۲۱۵

۱. اسرائیل، به معنای برگزیدهٔ خدا و بندهٔ خدا و قدرت خدا، لقب حضرت یعقوب پیامبر علیه السلام است. بنی اسرائیل یا فرزندان اسرائیل، هم مردم یهودی را شامل می‌شود و هم مردم مسیحی را؛ زیرا همهٔ آن‌ها فرزندان یعقوب‌اند. البته، در زمان ما، عده‌ای بی‌دین و غارتگر که به صهیونیست مشهورند، خود را یهودی می‌نامند. این‌ها در سال ۱۳۲۷ شمسی کشور اسلامی فلسطین را اشغال کردند و با وقاحت تمام و آواره کردن مردمش، در سرزمین آنان شهرک‌سازی به راه انداختند. همچنین، نام اسرائیل را بر فلسطین گذاشتند!

۲. منظور مردمی است که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا زمان حضرت نوح علیه السلام زندگی می‌کرده‌اند.

جنگ با دشمن بر شما واجب است، هرچند برایتان ناخوشایند است! شاید چیزی را دوست نداشته باشید؛ اما به نفعتان باشد. شاید هم چیزی را دوست داشته باشید؛ اما به ضررتان باشد. سود و زیان واقعی‌تان را خدا می‌داند. شما که نمی‌دانید! ۲۱۶

پیامبر، از تو دربارهٔ جنگ در ماه‌های محترم^۱ می‌پرسند. پاسخ بده: «جنگ در ماه‌های محترم گناه بزرگی است؛ اما انجام ندادن عبادت خدا، بلکه بدتر، مانع شدن از عبادت خدا مثل جلوگیری از ورود مردم به مسجد الحرام و اخراج مسلمانان از مکه، از نظر خدا گناهی بزرگ‌تر است. در واقع، فتنه‌گری از آدم‌کشی هم بدتر است!»

آن‌ها آن قدر با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند، شما را از دینتان برگردانند. هر کدامتان که از دین خودش برگردد و در حال بی‌دینی بمیرد، کارهای خوبی هم که احتمالاً کرده است، در دنیا و آخرت هدر می‌رود. این جور آدم‌ها جهنمی‌اند و آنجا ماندنی. ۲۱۷

البته مسلمانان واقعی و کسانی که در راه خدا مهاجرت کرده و جنگیده‌اند، به لطف خدا امیدوارند؛ زیرا خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۲۱۸

پیامبر! از تو دربارهٔ شراب و قمار می‌پرسند. بگو: «آن‌ها ضرر فراوانی دارند. البته منافع کم و کاذبی^۲ هم برای مردم دارند؛ ولی ضررشان از سودشان بیشتر است.» همچنین، از تو می‌پرسند که چه چیزی انفاق کنند. بگو: «مازاد بر نیاز خودتان را.» خدا آیات و احکامش را این‌طور برایتان روشن می‌کند تا دربارهٔ دنیا و آخرت، خوب فکر کنید.

۱. چهار ماه از سال قمری ماه‌های محترم هستند و جنگ‌کردن در آن‌ها حرام است: رجب و ذی‌قعدة و ذی‌حجه و محرم. اگر دشمن در ماه محترم با ما بجنگد، جنگیدن با او برای دفاع و تلافی اشکالی ندارد.

۲. اگرچه تهیه و توزیع مشروبات الکلی و دایر نمودن مراکز قمار و قماربازی برای عده‌ای ایجاد شغل می‌کند یا سرگرمی و خوشی‌های زودگذری به وجود می‌آورد و شاید حتی در برخی موارد نادر، مصرف مشروبات الکلی خاصیت مختصر طبی داشته باشد، ولی در برابر زیان‌های خیلی زیاد جسمی و روحی و آثار سوء اخلاقی و اجتماعی، همهٔ این فواید اصلاً به حساب نمی‌آید.

همچنین از تو دربارهٔ یتیمان می پرسند. بگو: «سروسامان دادن به زندگی آنان، با مدیریت صحیح اموالشان، بهتر از این است که کلاً به حال خود رهایشان کنید. اگر آنان را جزو زندگی خودتان هم کردید، خب انگار اعضای خانوادهٔ شما هستند! البته خدا مال یتیم خور را از کسی که غم خوار مال یتیم است خوب تشخیص می دهد.» اگر خدا می خواست، شما را در این باره به زحمت می انداخت. ^۱ بله، خدا شکست ناپذیر کار درست است. ۲۲۰-۲۱۹

بازن های بت پرست، تا مسلمان نشده اند، ازدواج نکنید. یقیناً کنیز مسلمان بهتر از زن آزاد بت پرست است؛ هرچند از او خوشتان بیاید! به مردهای بت پرست هم، تا مسلمان نشده اند، زن ندهید. به یقین، بردهٔ مسلمان بهتر از مرد آزاد بت پرست است؛ هرچند از او خوشتان بیاید! آخر، بت پرست ها به آتش جهنم دعوتتان می کنند؛ اما خدا با دستورها و توفیق های خودش به بهشت و آمرزش دعوتتان می کند. همچنین، آیات و احکامش را برای مردم روشن می کند تا به خود بیایند. ۲۲۱

از تو دربارهٔ عادت ماهانه می پرسند. بگو: «این حالت ناراحتی و اذیتی به همراه دارد، آن هم بیشتر برای زنان! پس در دورهٔ عادت ماهانه به طرف همسرانتان نروید؛ یعنی با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند. وقتی هم غسل کردند، می توانید مطابق سفارش خدا با آنان هم بستر شوید. ^۲ اگر هم احیاناً در دورهٔ عادت ماهانه نزدیکی کرده اید، توبه کنید که خدا توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.» ۲۲۲

بانوانتان باغ و بوستان شما؛ پس هرطور که می خواهید و از راه معمول، وارد باغ و بوستانتان شوید و با تربیت بچه های شایسته، برای آخرت خود کاری کنید! در حضور خدا، مراقب رفتارتان با اعضای خانواده باشید و بدانید که دست آخر، خدا را ملاقات می کنید. این ملاقات را به مؤمنان اهل رعایت مژده بده! ۲۲۳

در هر کاری فوراً به خدا قسم نخورید، تا توفیق پیدا کنید کارهای خوب انجام دهید، مراقب رفتارتان باشید و بین مردم آشتی برقرار کنید. خدا شنوای داناست. ۲۲۴

۱. خدا می توانست دستور بدهد که در عین سرپرستی از یتیمان، دارایی تان را از دارایی شان کاملاً جدا کنید. آن وقت کار خیلی سخت می شد!

۲. البته بنا به روایات، هم بستری با زنان بعد از عادت ماهانه و قبل از غسل، مکروه است، نه حرام.

البته برای قسم‌هایتان به خدا از روی لقلقهٔ زبان، خدا به شما سخت نمی‌گیرد؛ ولی برای قسم‌های جدی‌تان بازخواستتان خواهد کرد.^۱ خدا آمرزندهٔ بردبار است. ۲۲۵
مردانی که به رسم جاهلیت قسم می‌خورند که هم‌بستری با زنانشان را ترک کنند، چهار ماه فرصت دارند: اگر با آن‌ها آشتی کردند، خدا آمرزندهٔ مهربان است ۲۲۶ و اگر تصمیم به طلاقشان گرفتند، خدا شنوای داناست. ۲۲۷

زنان طلاق داده‌شده باید تا سه بار پاکی، از ازدواج خودداری کنند^۲ و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نباید حاملگی‌شان را مخفی کنند. اگر شوهرانشان قصد ازسرگیری زندگی را دارند، در مدت این سه پاکی می‌توانند آنان را برگردانند.^۳
زنان در برابر وظایفی که به عهده دارند، حقوق بایسته و شایسته‌ای هم دارند؛ البته مدیریت خانواده با مرد خانه یعنی شوهر است.^۴ خدا شکست‌ناپذیر کاردرست است. ۲۲۸
طلاق رجعی دو بار مجاز است. پس مردی که زنش را طلاق رجعی داده است، باید در مدت عده، با او به خوشی آشتی کند یا در انتهای عده، به خوبی از او جدا شود. در این نوع طلاق، حق ندارید چیزی از آنچه به زنان داده‌اید، پس بگیرید. اما وقتی زن طلاق بخواهد یا هر دویشان، اگر خودشان یا اطرافیان یا دادگاه بترسند که آن‌ها از خط‌قرمزهای الهی بگذرند، اشکالی ندارد که زن در عوض طلاق، از مهریه‌اش بگذرد یا حتی بیشتر از آن به شوهر بپردازد.^۵ این‌ها خط‌قرمزهای الهی است. آن‌ها را زیر پا نگذارید؛ چون آن‌هایی که خط‌قرمزهای الهی را زیر پا بگذارند، واقعاً بدکارند! ۲۲۹
در طلاق رجعی، اگر مرد برای بار سوم طلاقش داد، دیگر آن زن برایش حلال نیست؛ مگر اینکه زن با مرد دیگری ازدواج کند. حال، اگر شوهر بعدی طلاقش داد، اشکالی ندارد که زن و آن شوهر قبلی دوباره ازدواج کنند؛ البته در صورتی که امیدوار باشند حقوق زناشویی را رعایت کنند. این‌ها خط‌قرمزهای الهی است که خدا برای مردم خوش‌فهم بیان‌شان می‌کند. ۲۳۰

۱. به آیهٔ ۸۹ سورهٔ مائده (ص ۱۲۲) هم نظری ببیندازید.

۲. در بیشتر انواع طلاق، زن طلاق‌گرفته واجب است عده نگه دارد؛ یعنی مدتی صبر کند و بعد اگر خواست، با مرد دیگری ازدواج کند.

۳. در طلاق «رجعی» شوهر سابق می‌تواند در زمان عده و بدون خواندن عقد، زندگی با زن طلاق‌داده‌اش را ازسر بگیرد.

۴. مدیریت خانواده با دو شرط به دست مرد خانه است. آیهٔ ۳۴ سورهٔ نساء (ص ۸۴) را ببینید.

۵. در طلاق «خُلَع» زن نمی‌خواهد با شوهرش زندگی کند و هر دو می‌ترسند که با ادامهٔ زندگی، به گناه بیفتند. در این صورت، مرد می‌تواند در عوض طلاق زن، مهریه یا حتی بیشتر از آن را از او بگیرد. در طلاق «مبارات» زن و شوهر هر دو از هم متنفرند و می‌ترسند که با ادامهٔ زندگی، به گناه بیفتند. در این حال، مرد فقط مهریه را می‌تواند بگیرد و نه بیشتر.

بله، وقتی زنان را طلاق رجعی دادید و آنان به پایان عده خود نزدیک شدند، به خوشی با آن‌ها آشتی کنید یا به خوشی از آن‌ها جدا شوید. به قصد اذیت و آزار هم نگهشان ندارید تا حقوقشان را زیر پا بگذارید. هر که این طور کند، یقیناً به خودش بد کرده است!

قوانین خدا را به مسخره نگیرید! به یاد آورید نعمت‌های خدا را در حقتان و به‌ویژه قرآن و حکمتی^۱ را که برایتان فرستاده و با آن‌ها پندتان می‌دهد. در حضور خدا، مراقب رفتارتان باشید و بدانید خدا همه چیز را می‌داند. ۲۳۱

در ضمن، بعد از اینکه زنان را طلاق دادید و عده آن‌ها به پایان رسید، در صورت توافق با شوهر مناسب، مانع ازدواجشان نشوید. از این دستور فقط آنانی پند می‌گیرند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند. این‌گونه برخورد به رشد و پاکی تان بیشتر کمک می‌کند. خیر و صلاحتان را خدا می‌داند. شما که نمی‌دانید! ۲۳۲

مادران حتی طلاق داده شده باشند، حق دارند بچه‌هایشان را دو سال تمام قمری شیر دهند. البته این برای مادرانی است که دوست دارند دوران شیرخوارگی کودکانشان را کامل کنند.

خوراک و پوشاک مادر در مدت شیردهی، در حد معمول، به عهده پدر است و در صورت مرگ پدر، بر عهده پدر و مادر پدر. کسی بیشتر از توانش وظیفه ندارد. هیچ مادر یا پدری هم نباید به خاطر بچه‌اش آسیب ببیند.^۲

در ضمن، اشکالی ندارد که پدر و مادر کودک با رضایت و مشورت هم، او را زودتر از دو سال از شیر بگیرند.

همچنین، ایرادی ندارد که برای شیردادن بچه‌هایتان دایه بگیرید؛ به شرط آنکه مزدی را که قرار است به او بدهید، محترمانه بپردازید. در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و بدانید خدا کارهایتان را می‌بیند. ۲۳۳

۱. توضیح حکمت در پاورقی آیه ۱۲۹ همین سوره آمد.

۲. این قسمت از آیه دو معنای دیگر هم دارد: ۱. پدر و مادر نباید به دلیل اختلافات بین خودشان، به کودکان آسیب برسانند؛ ۲. مادر کودک نباید به بهانه کودکش، پدر او را بیازارد و پدر هم نباید به بهانه کودکش، مادر او را اذیت کند.

زنانی که شوهرانشان می‌میرند، باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارند^۱ و وقتی عده خود را به پایان رساندند و خواستند با شوهر مناسبی ازدواج کنند، شما حق ندارید دخالت کنید. خدا از کارهایتان آگاه است. ۲۳۴

برایتان اشکالی ندارد که از زنان در عده، با گوشه‌وکنایه خواستگاری کنید^۲ یا فکر ازدواج با آن‌ها را در دل‌هایتان بپروانید! خدا می‌داند که شما حتماً به یادشان می‌افتید. ولی با آن‌ها قول و قرار پنهانی نگذارید؛ مگر اینکه حرف‌های کلی بزنید. به هر حال، تا عده آنان به پایان نرسیده است، صیغه عقد نخوانید و بدانید خدا می‌داند آنچه در سرهایتان می‌گذرد؛ پس بترسید از مخالفت با او و بدانید خدا آمرزنده بردبار است. ۲۳۵

طلاق دادن زنانی که با آنان تماس جنسی نداشته‌اید یا برایشان مهریه‌ای مشخص نکرده‌اید، اشکالی ندارد؛ ولی زنان بی‌مهریه را قبل از طلاق دادن، با هدیه مناسبی راضی کنید: توانگر به اندازه توان خودش و تنگ دست هم به اندازه توان خودش. این کار وظیفه‌ای است بر عهده درستکاران. ۲۳۶

اگر هم قبل از تماس جنسی، زنانتان را طلاق دهید، در صورتی که برایشان مهریه‌ای مشخص کرده‌اید، واجب است نصفش را به آن‌ها بدهید؛ مگر آنکه خودشان از آن بگذرند یا کسی که اختیار عقد دست اوست، بگذرد. این‌که گذشت کنید، البته با تقوا سازگارتر است. بزرگواری کردن را در بین خودتان فراموش نکنید که خدا کارهایتان را می‌بیند. ۲۳۷

۱. پاورقی آیه ۲۲۸ همین سوره درباره معنای عده است.

۲. البته زنی که در عده طلاق «رجعی» است، در حکم زن شوهردار است و هر لحظه امکان دارد شوهرش برگردد و زندگی را با وی از سر بگیرد؛ بنابراین خواستگاری از این زن مطلقاً حرام است، حتی خواستگاری سربسته!

۳. این هدیه برای زنان بی‌مهریه‌ای که بعد از تماس جنسی طلاق داده می‌شوند، به اندازه مهرالمثل است؛ یعنی مهریه‌ای معادل مهریه زنان شبیه به آن‌ها.

۴. منظور ولی دختر است که ممکن است پدر یا وصی یا وکیل یا حاکم اسلامی باشد.

حتی در کوران مشکلات، کاملاً مراقب نمازها به ویژه نماز ظهر، باشید و به خاطر خدا و با فروتنی، به نماز بایستید. ۲۳۸ حال، اگر نگران دشمن یا خطر دیگری بودید، هرطور که می‌توانید، نماز بخوانید؛ مثلاً پیاده یا سواره. ۱. وقتی هم فضا برایتان امن شد، با خواندن نماز به طور معمول، خدا را یاد کنید؛ به شکرانه آنکه چیزهایی را یادتان داد که نمی‌توانستید یاد بگیرید. ۲۳۹

مردانی که مرگشان نزدیک است و همسر دارند، خوب است که برای همسرانشان وصیت کنند؛ هزینه زندگی شان تا یک سال پرداخت شود و از خانه شوهر هم بیرونشان نکنند؛ ولی اگر به اختیار خودشان بیرون رفتند و برای زندگی خودشان تصمیم مناسبی گرفتند، دیگر مسئولیتی به عهده‌تان نیست. خدا شکست‌ناپذیرِ کاردرست است. ۲۴۰
به همه زنان طلاق داده شده هدیه مناسبی بدهید که این کار سزاوار مردانی است که مراقب رفتارشان باشند. ۲. ۲۴۱ خدا آیات و احکامش را این‌طور برایتان بیان می‌کند تا عقلتان را به کار بیندازید. ۲۴۲

مگر ندیدی آن جمعیتِ بیش از ده هزار نفری را که از ترس مرگ^۳ از خانه و کاشانه خودشان خارج شدند؟! پس خدا فرمان مرگشان را صادر کرد: «بمیرید!» بعد، زندگی دوباره به آن‌ها بخشید. بله، خدا به مردم خیلی لطف دارد؛^۴ ولی بیشتر مردم شکر نمی‌کنند! ۲۴۳ بله، در راه خدا با دشمنانتان بجنگید و از خودتان دفاع کنید و بدانید خدا شنوای داناست. ۲۴۴ چه کسی حاضر است کارهای خوبی مثل اهدای جان و مال، پیش خدا پس انداز کند تا وقت برگرداندن، خدا برایش چندین برابرشان کند؟ فقط خدا روزی بندگان را کم و زیاد می‌کند و دست‌آخر هم فقط به سوی او برگردانده می‌شوید. ۵. ۲۴۵

۱. آیه ۱۰۱ سوره نساء و پاورقی اش (ص ۴۹) را هم ببینید.

۲. پرداخت هدیه به زنان طلاق داده شده مهریه دار مستحب است (بقره، ۲۴۱) و به زنان بی‌مهریه‌ای که قبل از هم بستری طلاق داده شوند، واجب (بقره، ۲۳۶). بسیاری از این احکام نورانی اسلام که به نفع بانوان است، متأسفانه اجرا نمی‌شود!

۳. احتمالاً از ترس مقابله با دشمنی که به شهرشان حمله کرده بود.

۴. لطف خدا به این بود که با زنده کردن مردم آن شهر، دو مسئله را برای همگان ثابت کند: ۱. رجعت، یعنی زنده کردن مردگان در همین دنیا؛ ۲. معاد، یعنی زنده کردن مردگان در روز قیامت.

۵. این‌طور آیه‌ها در حکم آگهی مزایده خداست! خدا خریدار جان و مال و آبروی ماست و در واقع باید آگهی «منافسه» بدهد؛ اما این خریدار آن قدر بزرگوار است که آگهی «مزایده» می‌دهد؛ یعنی مال و جان و آبرو و تمام کارهای خوب ما را به بیشترین قیمت می‌خرد! این بنده‌نوازی در دعای ۴۵ صحیفه سجادیه نیز آمده است. به پاورقی اول آیه ۱۲ سوره مانده (ص ۱۰۹) هم نظری بیندازید.

مگر ندیدی خواص و بزرگان بنی اسرائیل بعد از موسی را که به پیامبر زمانشان^۱ پیشنهاد کردند: «از خدا بخواه فرماندهی برایمان منصوب کند تا در راه خدا بجنگیم.» پیامبرشان هشدار داد: «اگر فرمان جنگ صادر شود، مطمئنید که سرپیچی نمی کنید و می جنگید؟!» گفتند: «مگر چه مان است که در راه خدا بجنگیم؟! با آنکه از خانه و کاشانه خودمان اخراج شده ایم و از زن و بچه هایمان جدایمان کرده اند!» ولی همین که فرمان جنگ صادر شد، جز عده کمی، همگی سرپیچی کردند! خدا حال بدکارهایی چون شما را خوب می داند. ۲۴۶

پیامبرشان به آن ها خبر داد: «باید بدانید خدا طالوت را به فرماندهی تان انتخاب کرده است.» با اعتراض گفتند: «چطور فرماندهی مان را او به عهده بگیرد، با آنکه ثروت چندانی ندارد؟! برای این مقام، ما از او لایق تریم!» پیامبرشان تأکید کرد: «خدا او را برایتان انتخاب کرده و از نظر نبوغ نظامی و نیروی بدنی، بر شما برتری اش داده است. بله، خدا فرمانروایی خودش را به هر کس لایق ببیند، می دهد؛ چون خدا دستش باز است و می داند به چه کسی بدهد.» ۲۴۷

آن وقت پیامبرشان به آن ها مژده داد: «نشانه خدایی بودن فرماندهی طالوت، صندوق مقدسی^۲ است که پیش شما می آید تا دلگرمی و آرامشی از طرف خدا باشد. بعضی یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن هست و فرشتگان حملش می کنند! این معجزه نشانه خوبی است برای شما در پی بردن به حقانیت طالوت، اگر واقعاً ایمان داشته باشید.» ۲۴۸

۱. نام او احتمالاً ساموئیل بوده است.

۲. این همان صندوقی است که خدا برای مادر موسی فرستاد تا او را در آن قرار دهد و به رود بیندازد. برای همین، از نظر قوم بنی اسرائیل گرامی بود. حضرت موسی علیه السلام نزدیک وفاتش، تورات و زره و عصا و تمام نشانه های دیگر پیامبری اش را در آن گذاشت و نزد وصی خود، یوشع، به امانت سپرد. این صندوق همیشه میان بنی اسرائیل بود و موجب دلگرمی و آرامش خاطرشان... تا اینکه کم کم به گناه آلوده شدند و به آن بی احترامی کردند. خدا هم تنبیهشان کرد و این صندوق را از آن ها گرفت... تا وقتی طالوت را به فرماندهی نظامی شان برگزید. در آخر الزمان هم حضرت مهدی علیه السلام آن را به صحنه خواهد آورد.

طالبوت همین‌که با لشکریانش راه افتاد، این‌طور هشدار داد: «خدا با نهر آبی امتحانتان می‌کند: هرکه از آن بنوشد، دنباله‌رو من نیست و هرکه اصلاً به آن لب نزند، دنباله‌رو واقعی من است؛ البته هرکه کف دستی بنوشد، اشکالی ندارد.» جز عده کمی، همگی از آن نوشیدند و از سپاه جدا شدند!

همین‌که طالبوت با مؤمنان همراهش از آن نهر آب عبور کردند و به راه خود ادامه دادند، آن‌هایی که کف دستی از آب نوشیده بودند، گفتند: «در حال حاضر، ما قدرت مقابله با جالوت و سپاهیان‌ش را نداریم!» اما کسانی که اصلاً لب به آب نزنده بودند و آرزوی شهادت را در دل می‌پروراندند، گفتند: «چه گروه‌های کم‌تعدادی بوده‌اند که به خواست خدا، بر گروه‌های پرتعداد پیروز شده‌اند. بله، خدا در کنار اهل صبر است.» ۲۴۹

همین‌ها، وقتی با جالوت و سپاهیان‌ش روبه‌رو شدند، این‌طور دعا کردند: «خدایا، از صبر و استقامت سرشارمان کن، قدم‌هایمان را محکم کن و بر این جماعت بی‌دین پیروزمان فرما.» ۲۵۰ پس به خواست خدا شکستشان دادند و داوود جالوت را کشت.

خدا به داوود حکومت و حکمت^۱ داد. مهارت‌هایی هم که صلاح می‌دانست، یادش داد.

به فرض، خدا جلوی زیاده‌خواهی‌ها و خراب‌کاری‌های بعضی مردم را به دست بعضی دیگر نگیرد، همه جای زمین را هرج و مرج فرا می‌گیرد؛ ولی خدا در حق جهانیان بسیار بزرگوار است. ۲۵۱

این داستان‌های واقعی نشانه علم و قدرت و اراده خداست که مختصر و مفید برای تو می‌خوانیم و به یقین، تو جزو پیامبرانی. ۲۵۲

۱. برای توضیح «حکمت»، پاورقی آیه ۱۲۹ همین سوره را ببینید.